

کسری تجاری در اقتصاد ایران: دولت یا بخش خصوصی؟

علی حسین صمدی*
رضیه تابنده**

در این مقاله، رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین صادرات و واردات و آزمون شرط پایداری کسری تجاری و همچنین رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین درآمد ها و هزینه های دولت و آزمون شرط پایداری کسری بودجه و در نهایت رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین کسری بودجه و کسری تجاری، با استفاده از روشهای اقتصاد سنجی سری های زمانی مورد بررسی قرار گرفته است

*. دکتر علی حسین صمدی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز.

E.mail: asamadi@rose.shirazu.ac.ir

** رضیه تابنده؛ کارشناس ارشد اقتصاد، مدرس دانشگاه پیام نور شیراز و مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق فارس.

E. mail: ftabande2001@yahoo.com

براساس نتایج بدست آمده پیشنهاد شده است که دولت برای فائق آمدن بر کسری مالی و تجاری در کوتاه مدت باید اقدام به کاهش کسری بودجه نماید. بنابراین برای انجام چنین عملکردی کاهش مالیاتها با محوریت عدالت گستری و افزایش پس اندازهای داخلی پیشنهاد شده است که این اقدامات سبب کاهش کسری تجاری نیز خواهد شد.

کلید واژه‌ها:

اقتصاد ایران، کسری بودجه، موازنه تجاری، هزینه‌های دولت، درآمدهای دولت، هزینه‌های دولت، اصول ریکاردویی، دیدگاه کینزی، واردات و صادرات

مقدمه

کشورهای در حال توسعه در تأمین شرط پایداری^۱ کسری خارجی؛ یعنی کسری حساب جاری، یا کسری تجاری و داخلی؛ و به عبارتی یعنی کسری بودجه، مشکلات قابل ملاحظه‌ای دارند. این کسریها از ویژگیهای بارز اقتصاد ایران است. ناتوانی دولتها در این کشورها در تأمین شرایط پایداری کسری خارجی، اشاره تلویحی به این مطلب دارد که برای برقراری تعادل در تراز پرداختها، به جریان دائمی ورود سرمایه نیاز می‌باشد. اما باید توجه داشت که دولتها نمیتوانند برای تأمین مالی کسری تجاری خود بطور نامحدود از بازارهای جهانی سرمایه استقراض نمایند، همچنانکه قادر به تأمین مالی نامحدود کسری بودجه از بازارهای داخلی نیستند؛ بنابراین باید چاره اندیشی شود.

حال این پرسش اساسی مطرح است که دولت برای مقابله با کسری بودجه و بویژه کسری تجاری، سیاستهای مالی و تجاری خود را چگونه باید تنظیم کند؟ هدف اصلی این مقاله یافتن پاسخ برای این پرسش و بررسی پدیده کسری دوگانه^۲ در اقتصاد ایران است. در واقع سؤال این است که آیا طبق دیدگاه کینزی کسری بودجه، تأثیر مثبتی بر کسری تجاری دارد و یا؛ آیا کسری بودجه پیدایش کسری تجاری را در بردارد؟ و یا طبق اصول ریکاردویی هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد و باید علت را در جای دیگری جستجو کرد. اما قبل از تحلیل نظری و تجربی این پدیده، بهتر است یک تحلیل نظری و تجربی در مورد رابطه بین درآمدها و هزینه‌های دولت و همچنین رابطه بلندمدت بین صادرات و واردات صورت گیرد. بنابراین در این مقاله، رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین صادرات و واردات و آزمون شرط پایداری کسری تجاری و همچنین رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین درآمدها و هزینه‌های دولت و آزمون شرط پایداری کسری بودجه و در نهایت رابطه بلندمدت و کوتاه مدت بین کسری بودجه و کسری تجاری با استفاده از روشهای اقتصادسنجی سری‌های زمانی مورد بررسی قرار گرفته است.

^۱. Sustainability Condition

^۲. Twin Deficit.

با توجه به توضیحات بالا، این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست، مقدمه آن می‌باشد؛ در بخش دوم مباحث نظری ارائه خواهد شد؛ در بخش سوم یافته‌های تجربی این مقاله و برخی مطالعات دیگر ارائه خواهد شد؛ قسمت چهارم نیز به جمع بندی مطالب و ارائه پیشنهادات اختصاص دارد.

مباحث نظری

رابطه بین درآمدها و هزینه های دولت

پس از جنگ جهانی دوم، (حجم) بخش عمومی بشدت گسترش یافت و همین امر سبب شد تا این موضوع برای کشورهای در حال توسعه و یا پیشرفته، در متون اقتصادی مورد توجه نظری خاص قرار گیرد. همچنین به منظور درک دلایل و نتایج کسری بودجه، به بررسی رابطه علی بین درآمدها و هزینه‌های دولت پرداخته شد. اما در مورد با جهت این رابطه علی، اتفاق نظری بین اقتصاددانان وجود ندارد. بر این اساس، سه فرضیه رقیب بین اقتصاددانان مشاهده می‌شود که عبارتست از^۱:

فرضیه مخارج- درآمد^۲؛

فرضیه درآمد- مخارج^۳ و؛

فرضیه هم زمانی تصمیم مالی^۴.

همچنین این امکان نیز وجود دارد که هیچ رابطه‌ای بین این دو تصمیم وجود نداشته باشد.^۵

فرضیه اول توسط «پیکاک و وایزمن»^۶، و «بارو»^۷ تشریح شده و مورد استفاده قرار گرفته است. براساس این فرضیه، دولت در ابتدا هزینه می‌کند و سپس تصمیم می‌گیرد که

¹. Mithani and Khoon , 1999.

². Spend-and-tax Hypothesis.

³. Tax-and-spend Hypothesis.

⁴. Fiscal synchronization Hypothesis.

⁵. Islam , 2001.

⁶. Peacock and Wiseman , 1967.

⁷. Barro , 1974.

این هزینه‌ها را چگونه از طریق مالیاتهای اضافی در دوره بعدی تأمین مالی نماید. بنابراین جهت رابطه علی از سمت مخارج به سمت درآمدهای مالیاتی خواهد بود. پیکاک و وایزمن تحلیل می‌کنند که تکانه‌های خارجی مانند رکود بزرگ، جنگ جهانی دوم و تکانه‌های نفتی باعث افزایش مداوم هزینه‌های دولت می‌گردند. این افزایش نیز به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش مداوم و دائمی درآمدهای مالیاتی شود. چنین تحلیلی توسط بارو نیز پذیرفته شده است. اما فرضیه دوم که در آن جهت رابطه علی، عکس فرضیه اول فرض می‌شود، مورد حمایت اقتصاددانان سمت عرضه^۱ می‌باشد. این اقتصاددانان همانند «فریدمن»^۲ اعتقاد دارند که افزایش در مالیاتها تنها منجر به افزایش در هزینه‌های دولت خواهد شد؛ بنابراین جهت رابطه علی از درآمدها به مخارج و هزینه‌های دولت است. بحث فریدمن (۱۹۸۲) این است که دولت برای کنترل اندازه بخش عمومی یا اندازه کسری بودجه خود، باید مالیاتها را کاهش بخشد. اما بحث بارو (۱۹۷۹) این است که دولت باید مخارج خود را کاهش داده و اجازه تعدیل مالیاتها را نیز بدهد.

اما در فرضیه سوم اعتقاد بر این است که دولت، درآمدها و هزینه‌های خود را بطور همزمان تغییر می‌دهد. دولت با مقایسه هزینه‌ها و منافع نهایی، هرگونه تغییر در بودجه متوازن، مقدار مطلوب هزینه‌ها و درآمدها را تعیین می‌کند، بنابراین می‌توان رابطه دوطرفه‌ای را بین آنها حاکم نماید.

رابطه بین صادرات و واردات

جهت بررسی رابطه تعادلی بلندمدت بین صادرات و واردات و استنباط در مورد پایداری یا ناپایداری کسری حساب جاری، «هاستد»^۳ (۱۹۹۲) تحلیل ساده‌ای به شرح ذیل را ارائه داده است.^۴

^۱. Supply – Side Economists

^۲. Friedman, (1982).

^۳. Husted, (1992).

^۴. برای مطالعه بیشتر و نحوه استخراج روابط به خوارزمی و صمدی (۱۳۸۳) و یا ژا (Jha, 2001) در قسمت پی‌نوشتها مراجعه کنید.

فرض کنید در یک اقتصاد کوچک و باز، تنها یک کالای مرکب تولید و صادر شده و دولت در این اقتصاد وجود دارد. همچنین فرض کنید مصرف‌کننده که قادر به قرض گرفتن و وام دادن در بازارهای جهانی است، با استفاده از ابزارهای مالی یک دوره‌ای، با نرخ بهره جهانی مواجه می‌شود و نیز فرض می‌شود که منابع کارگزار مصرف و پس‌انداز شده و مصرف‌کننده مطلوبیت خود در طول زندگی را مقید به محدودیت بودجه حداکثر می‌کند. محدودیت بودجه در دوره جاری برای این فرد به صورت زیر است:

$$C_0 = Y_0 + B_0 - I_0 - (1+r_0)B_{-1} \quad (1)$$

که در آن:

C_0 : مصرف جاری

Y_0 : تولید

I_0 : سرمایه‌گذاری

r_0 : نرخ بهره جهانی یک ساله

B_0 : استقراض بین‌المللی (این عدد می‌تواند مثبت یا منفی باشد)

$(1+r)B_{-1}$: میزان بدهی کارگزار نماینده که متناظر با بدهی خارجی کشور است.

رابطه شماره (۱) باید برای هر دوره‌ای صادق باشد. بنابراین با ترکیب محدودیت‌های بودجه‌ای دوره به دوره می‌توان محدودیت بودجه‌ای بین دوره‌ای اقتصاد را به صورت زیر نوشت:

$$B_0 = \sum_{t=1}^{\infty} \mu_t TA_t + \lim_{n \rightarrow \infty} \mu_n B_n \quad (2)$$

که در آن $TA_t = X_t - M_t (= Y_t - C_t - I_t)$ تراز تجاری در دوره t ، X_t صادرات و M_t واردات بوده و μ_t عامل تنزیلی است که به صورت حاصل ضرب t مقدار اولیه λ تعریف

شده و $\lambda_0 = \frac{1}{1+r_0}$ است. برای استخراج یک الگوی تجربی و قابل آزمون ضروری است که معادله شماره (۱) را دوباره بنویسیم. فرض کنید که نرخ بهره جهانی «مانا با میانگین غیرشرطی»^۱ است. در این صورت معادله (۱) را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$Z_t + (1+r)B_{t-1} = X_t + B_t \quad (۳)$$

که در آن $Z_t = M_t + (r_t - r)B_{t-1}$ است. هاستد (۱۹۹۲) به تبعیت از روش و «هکیو»^۲ (۱۹۹۱) معادله (۳) را حل کرده و در نتیجه معادله زیر را بدست آورده است:

$$M_t + r_t B_{t-1} = X_t + \sum_{j=0}^{\infty} \lambda^{j-1} [\Delta X_{t+j} - \Delta Z_{t+j}] + \lim_{j \rightarrow \infty} \lambda^{t+j} B_{t+j} \quad (۴)$$

که در آن $\lambda = \frac{1}{1+r}$ و Δ عملگر تفاضل مرتبه اول می‌باشد. سمت چپ معادله شماره (۴) بیانگر مخارج انجام شده روی واردات و همچنین پرداختیهای و یا دریافتیهای بهره‌ای روی خالص بدهیها یا دارائیهای خارجی است. با کسر X_t از دو طرف معادله (۴) و ضرب هر دو طرف در (-1)، در سمت چپ معادله حساب جاری کشور به دست می‌آید. معادله شماره (۴) را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$X_t = \alpha + MM_t - \lim_{j \rightarrow \infty} \lambda^{t+j} B_{t+j} + \varepsilon_t \quad (۵)$$

^۱. Stationary with Unconditional Mean

^۲. Rush and Hakkio (1991).

که در آن:

$$\alpha = \left[(1+r)^2 / r \right] (\alpha_2 - \alpha_1)$$
$$MM_t = M_t + r_t B_{t-1}$$
$$\varepsilon_t = \sum \lambda^{j-1} (\varepsilon_{2r} - \varepsilon_{1t})$$

با فرض اینکه عبارت حدی در معادله (۷) معادل با صفر باشد، این معادله را می‌توان به یک معادله رگرسیون استاندارد تبدیل کرد:

$$X_t = a + bMM_t + e_t \quad (7)$$

در اقتصادی که محدودیت بودجه‌ای بین دوره‌ای ارضا شود، می‌توان انتظار داشت که $b=1$ بوده و e_t مانا باید باشد. اما $b < 1$ ناسازگار با پایداری بدهیهای خارجی و کسری حساب جاری خواهد بود. نبود رابطه بلندمدت بین متغیرهای ذکر شده، بدین معنی است که کسری حساب جاری پایدار نبوده^۱ و باید تغییراتی در سیاستهای تجاری ایجاد شود.^۲ کسری خارجی تنها در صورتی پایدار است که بتوان آن را از طریق مزادهای آتی تجاری^۳ تأمین مالی کرد. در متون موجود، آزمون شرط پایداری، با استفاده از روشهای اقتصادسنجی سری‌های زمانی نامانای صورت گرفته است که می‌توان به کار پیشرو هاستد و سایر افراد؛ مانند «بهمنی اسکویی»^۴، «ویو و همکاران»^۵، «سینها»^۶ و «ژا»^۷ اشاره کرد. آزمونهای ریشه‌واحد و هم‌جمعی^۸، آزمونهای مرسوم مورد استفاده در این مطالعات بوده است.

1. Wu, et al (1996).

2. Sinha, (1999).

3. Future Trade Surpluses

4. Non-stationary Time Series Econometrics

5. Bahmani-Oskooee, (1994).

6. Wu and et al, (1996).

7. Sinha, (1999).

8. Jha, (2001).

9. Cointegration

رابطه بین کسری بودجه و کسری تجاری (کسری دوگانه)

از حسابداری درآمد ملی می‌توان نوشت :

$$GDP = C + I + G + X - M = C + S + T \quad (7)$$

که در آن C مصرف، I سرمایه‌گذاری، G مخارج دولت، X صادرات کالاها و خدمات، M واردات کالاها و خدمات، S پس‌انداز و T مالیات می‌باشد. از رابطه (7) می‌توان روابط زیر را بدست آورد:

$$S + T + M = I + G + X \quad (8)$$

و یا:

$$(X - M) = (T - G) + (S - I) \quad (9)$$

که در آن:

$X - M = TD$: کسری تجاری

$T - G = BD$: کسری بودجه و

$S - I = SD$: کسری پس‌انداز می‌باشد.

سمت چپ رابطه (9) کسری خارجی و سمت راست آن کسری داخلی بوده و در واقع مرکب از دو کسری است: کسری بودجه (یا عمومی) و کسری پس‌انداز خصوصی.

با توجه به اینکه رابطه (9) یک اتحاد است و نمی‌توان به صورت تجربی از آن برای بررسی رابطه بین کسری بودجه و کسری تجاری استفاده کرد، در متون اقتصادی رهیافت‌هایی بسط داده شده است؛ یکی از مهمترین این تحلیلها، بررسی پدیده کسری دوگانه است. در این

پدیده، رابطه بین کسری بودجه؛ یعنی کسری داخلی و کسری تراز تجاری؛ یعنی کسری خارجی بررسی می‌شود. برای تشریح این پدیده دو رهیافت وجود دارد^۱: برابری ریکاردویی^۲ و اصل متعارف کینزی^۳. در اصل متعارف کینزی در این مورد بحث می‌شود که یک رابطه مثبت بین کسری بودجه و کسری حساب جاری وجود دارد. در واقع کسری بودجه سبب افزایش کسری حساب جاری می‌گردد. ولی در برابری ریکاردویی ادعا می‌شود که هیچ رابطه‌ای بین این دو کسری وجود ندارد.

پس‌انداز ملی حاصل جمع پس‌انداز بخش خصوصی و بخش عمومی است. اگر پس‌انداز بخش عمومی منفی باشد؛ یعنی کسری بودجه داشته باشیم، پس‌انداز ملی کاهش خواهد یافت. کاهش پس‌انداز ملی باعث افزایش نرخ بهره و بنابراین افزایش نرخ ارز می‌شود. افزایش در نرخ ارز نیز سبب بدتر شدن تراز تجاری خواهد شد. بنابراین اصل کینزی بیان می‌کند که کسری بودجه منجر به افزایش کسری حساب جاری خواهد شد.

اما برخلاف اصل کینزی، از دیدگاه برابری ریکاردویی، هیچ رابطه‌ای بین این دو کسری وجود ندارد. براساس این مکتب فکری اقتصادی، کسری بودجه به واسطه کاهش مالیات^۴ رخ می‌دهد. کاهش مالیات؛ درآمدها و پس‌اندازهای بخش عمومی را کاهش می‌دهد. کاهش در پس‌انداز بخش عمومی با افزایش مساوی در پس‌انداز بخش خصوصی جبران خواهد شد و پس‌انداز ملی تغییری نخواهد کرد. بنابراین کسری بودجه هیچ تأثیری بر کسری حساب جاری نخواهد داشت. در این الگو اعتقاد بر این است که کسری حساب جاری به واسطه عکس‌العمل مصرف به تکنانه‌های مختلف وارد شده به اقتصاد رخ می‌دهد و نه کسری بودجه.

^۱. برای مطالعه بیشتر و جامع درباره این دو رهیافت به Seater (1993) در بخش پی‌نوشتها مراجعه فرمایید.

^۲. Ricardian Equivalence

^۳. Keynesian Conventional Preposition

^۴. Tax cut

نتایج تجربی

مطالعات انجام یافته در ایران

در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر کسری بودجه و کسری تجاری و تأثیر آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی، مطالعات محدودی در اقتصاد ایران وجود دارد که می‌توان به برخی از آنها به صورت زیر اشاره کرد.

فرزین‌وش، اصغری‌پور و محمودزاده (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران پرداخته‌اند. در این مقاله تأثیر تورم بر کسری بودجه از جهت درآمدهای مالیاتی (فرضیه تانزی) و هزینه‌های دولت (فرضیه پاتینکین) بررسی شده است. نتایج این مطالعه تنها از فرضیه تانزی حمایت کرده است. لذا افزایش تورم باعث افزایش کسری بودجه شده است. این نتیجه در مطالعه محرابیان و فرحبخش (۱۳۸۲) نیز تأیید شده است. جهانگرد (۱۳۸۱) نیز در این زمینه مطالعاتی کرده است. تقی‌پور (۱۳۸۰) در قالب یک سیستم معادلات همزمان از فرضیه ارتباط مثبت بین کسری بودجه و رشد پول و تورم در اقتصاد ایران طی دوره ۷۸-۱۳۴۰ حمایت کرده است. اما جعفری صمیمی (۱۳۷۱) بر اساس اطلاعات دوره ۷۰-۱۳۵۸ و علایی (۱۳۷۱) برای ۶۹-۱۳۵۰ به این نتیجه می‌رسند که کسری بودجه دولت در تشدید تورم نقش بسزایی داشته است.

هژبرکیانی و حلافی (۱۳۸۰) به بررسی ارتباط بین کسری بودجه و تقاضای پول در ایران پرداخته و به یک رابطه بلندمدت تعادلی مثبت رسیده‌اند. اما در مطالعه موسوی آزاد کسمایی (۱۳۷۸) ارتباط بین کسری بودجه و رشد اقتصادی بررسی شده و این نتیجه بدست آمده است که سیاست کسری بودجه در کوتاه مدت می‌تواند موجبات افزایش تولید را فراهم و منجر به افزایش رشد اقتصادی شود؛ ولی در بلندمدت تنها منجر به افزایش تورم می‌گردد و اثری بر رشد اقتصادی ندارد.

مطالعات نوری نائینی و احمدی (۱۳۷۵) و عرب مازار (۱۳۷۳) در ارتباط با بحث عدم تعادل کسری بودجه بود و بهرامی (۱۳۷۷)، صمدی (۱۳۷۴) و صمدی و صامتی (۲۰۰۵) درباره تأثیر راههای مختلف تامین مالی کسری بودجه بر متغیرهای کلان اقتصادی تحقیق کرده‌اند.

اما درباره موضوع این مقاله پژوهشهای انگشت شماری وجود دارد. آق اولی و ساسانپور (۱۹۸۲) با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان و داده‌های سالهای ۵۶-۱۳۳۹ به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات کسری بودجه منجر به خلق و عرضه بیشتر پول شده است. همچنین افزایش مخارج خصوصی و دولتی اثر قابل ملاحظه‌ای در افزایش واردات و نیز افزایش کسری تجاری داشته است.

محمدی (۱۳۷۳)، با استفاده از آمار سالانه ۷۱-۱۳۴۱ و روش هم جمعی و الگو سازی اصلاح خطا، براساس الگوی ماندل- فلمینگ به این نتیجه می‌رسد که بین پنج متغیر نسبت کسری بودجه دولت به GDP؛ نسبت کسری تجاری به GDP؛ نرخ رشد نقدینگی؛ رابطه مبادله تجاری و درآمد واقعی، رابطه باثبات و درازمدتی وجود دارد. بر اساس این رابطه تأثیر مزاد بودجه دولت در بلندمدت بر مزاد تجاری مثبت بوده است. وی همچنین به این نتیجه می‌رسد که ایجاد ثبات در بودجه دولت باعث ثبات در تجارت خارجی می‌شود. وی اشاره می‌کند که این تأثیر در کوتاه مدت، به شدت اثر بلندمدت آن نیست. محمدی اشاره می‌کند که نتایج حاصل از تحقیق وی به دلیل کوتاه بودن طول سری زمانی و وجود تکانه‌های برونزای متعدد باید با دیده احتیاط نگریسته شود.

قطمیری و صمدی (۱۳۷۵) با استفاده از یک الگوی معادلات همزمان به بررسی تأثیر شیوه‌های تأمین مالی کسری بودجه بر تراز تجاری پرداخته‌اند. با توجه به نتایج حاصل از سناریوهای مختلف این نکته که بین کسری بودجه و کسری تجاری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، برخلاف سایر مطالعات لزوماً در تمام موارد این مطالعه تأیید نشده است. این پژوهشگران اشاره می‌کنند که با توجه به کوتاه‌مدت بودن دوره تحلیل، این نتیجه باید با احتیاط مورد توجه قرار گیرد.

مؤمنی و صالحیان (۱۳۷۸) نیز در قالب یک سیستم معادلات هم زمان و سری زمانی ۷۳-۱۳۴۲ از ارتباط مثبت بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری حمایت کرده است.

اما در مطالعه صمدی^۱ با استفاده از روش هم جمعی یوهانسن و آزمون علیت گرنجر، پدیده کسری دوگانه بررسی شده و تنها از نظریه برابری ریکاردویی؛ یعنی نبود رابطه بین کسری بودجه و کسری حساب جاری حمایت شده است. این مطالعه براساس داده‌های سالهای ۱۳۷۹-۱۳۴۹ از اقتصاد ایران صورت گرفته است. خوارزمی و صمدی (۱۳۸۳) نیز به بررسی رابطه بلندمدت بین صادرات و واردات و آزمون پایداری کسری حساب جاری در کشورهای عضو اوپک طی دوره ۱۹۶۰-۹۸ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه بلندمدت ذکر شده در ایران وجود ندارد. نبود رابطه هم جمعی بین این متغیرها بدین معنی است که کسری خارجی، پایدار نیست و باید تغییراتی در سیاستهای تجاری ایجاد شود.

براساس اطلاعات نگارندگان، هیچ مطالعه‌ای در ارتباط با بررسی رابطه بین درآمدها و هزینه‌های دولت وجود ندارد. همچنین در مطالعه صمدی (۲۰۰۵) و خوارزمی و صمدی (۱۳۸۳) یک دوره سی ساله مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین آمارهای مورد استفاده در این مطالعات از نشریه آمارهای مالی بین المللی (IFS) صندوق بین‌المللی پول استخراج شده است. مطالعه حاضر یک دوره بلندمدت ۴۵ ساله و با استفاده از آمارهای ارائه شده در بانک اطلاعات مقاله‌ها و داده‌های اقتصادی ایران (نسخه ۳) مرکز تحقیقات اقتصاد ایران^۲ - که با آمارهای ارائه شده در نشریه IFS متفاوت است - صورت گرفته است و این نتایج در قسمت بعدی نیز آورده شده است.

نتایج مطالعه حاضر

داده‌ها و معیارهای مورد استفاده

برای انجام آزمونها از داده‌های مربوط به صادرات [کل (x) و غیرنفتی (nox)]، واردات (m)، مخارج دولت (ge)، درآمدهای دولت (gr)، کسری بودجه (bd) و کسری تجاری (td) استفاده شده است. این داده‌ها برای دوره ۸۲-۱۳۳۸ و از بانک اطلاعات مقاله‌ها و داده‌های اقتصادی ایران (نسخه ۳) مرکز تحقیقات اقتصاد ایران استخراج شده است. در

^۱. Samadi, (2005).

^۲. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

مقاله حاضر این داده‌ها به صورت جاری و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

برای انجام آزمونها، معیارهای متفاوتی در متون پیشنهاد شده است که در جدول شماره (۱) به آنها اشاره می‌شود. در این جدول X و M به ترتیب صادرات و واردات، PX و PM شاخص قیمت صادرات و واردات، GDP تولید ناخالص داخلی و RX ، RM و $RGDP$ به ترتیب مقادیر صادرات، واردات و تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت بوده و NIP و NTP به ترتیب خالص پرداختهای انتقالی و خالص پرداختهای بهره‌ای هستند. در تحقیق حاضر مقادیر اسمی و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ صادرات کل، صادرات غیرنفتی و واردات؛ و نیز از نسبت مقادیر جاری و ثابت این متغیرها به مقادیر جاری و ثابت تولید ناخالص داخلی استفاده شده است.

معیار مرسوم برای کسری بودجه ($GI-GE$) است؛ اما تانزی^۱ معتقد است که این تعریف دارای سه مشکل اساسی زیر است^۲:

۱. این تعریف در تشخیص این مطلب انواع مختلف هزینه‌ها مانند هزینه‌های صرف شده روی زیرساختها و یارانه‌های پرداختی به مخارج مصرفی و درآمدها، اثرات متفاوتی بر تقاضای کل دارند، ناتوان است.

جدول شماره ۱. معیارهای در نظر گرفته شده برای صادرات و واردات

مطالعه	صادرات	واردات
Jha (2001) Husted (1922)	X	M
Husted (1992) Sinha (1999)	X/PX	M/PM
Husted (1992)	X/GDP	M/GDP
Husted (1992)	RX/RGDP	RM/RGDP
Wu et. al. (1996)	RX/RGDP	(RM+NTP+NIP)/RGDP

منبع: خوارزمی و صمدی (۱۳۸۳).

^۱. Tanzi, (1993).

^۲. Jha, (2001).

۲. درآمدها و مخارج دولت برونزا و مستقل از هم نیستند؛ زیرا سطح مخارج عمومی، درآمد ملی را تعیین می‌کند و درآمد ملی نیز تعیین کننده درآمدهای مالیاتی است.
۳. منابع مختلف تأمین مالی کسری بودجه آثار متفاوتی بر متغیرهای کلان اقتصادی دارند. این تعریف ناتوان از نشان دادن این مسائل و ماهیت کسری بودجه می‌باشد.

همچنین «بویتر»^۱ از کسری تعدیل شده با تورم و کسری تعدیل شده بطور فصلی استفاده کرده است که معیار ناقصی محسوب می‌شود.

در این مقاله از معیارهای مخارج دولت و درآمدهای آن و همچنین از نسبت این متغیرها به تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. کسری بودجه و کسری تجاری نیز به صورت مطلق و نسبت آنها به تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده‌اند. در ارتباط با نسبت آنها به تولید ناخالص داخلی باید گفت که نسبت کسری بودجه به GDP شاخصی است که موفقیت دولت در کنترل کسری بودجه و توازن درآمدها و هزینه‌ها را نشان می‌دهد و نسبت کسری تجاری (X-M) به GDP نیز معیاری از موفقیت دولت در حرکت به سمت باز شدن اقتصاد و افزایش سهم تجارت خارجی در اقتصاد است.

نتایج آزمون ریشه واحد و هم‌جمعی

نتایج حاصل از آزمونهای ریشه واحد دیکی-فولر افزوده (ADF) و فیلیپس-پرون (PP) با استفاده از نرم‌افزارهای Eviews 5.0, Microfit 4.1 به صورت خلاصه در جدول شماره (۲) آورده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای مخارج دولت (ge)، درآمد دولت (gr)، واردات به قیمت جاری (M)، صادرات غیرنفتی (NOX) و کل صادرات (X) در سطوح خود مانا [یعنی I(0)] می‌باشد. سایر متغیرها در سطوح خود نامانا [I(1)] بوده و با یک بار تفاضل‌گیری به متغیری مانا تبدیل شده‌اند. این نتایج بدین معنی است که برای انجام آزمونهای هم‌جمعی نمی‌توان از سطوح مقادیر اسمی متغیرهای ge، gr، M، X و NOX

^۱. Buiter, (1985, 1993).

استفاده کرد. اما مقادیر واقعی این متغیرها و همچنین مقادیر اسمی و به قیمت سال ۱۳۷۶ نسبت این متغیرها به تولید ناخالص داخلی قابل استفاده است. ذکر این نکته ضروری است که براساس آزمون فیلیپس- پرون متغیر (M/GDP) مانا اما براساس آزمون ADF متغیری نامانا است. بدین جهت در آزمونهای هم‌جمعی تنها از مقادیر واقعی (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمونهای یوهانسن- ژوسلیوس با استفاده از نرم افزار Microfit 4.1 در جدول شماره (۳) آورده شده است. این آزمون در پنج نوع مختلف به شکل زیر و با مرتبه‌های متفاوت VAR قابل انجام است:

۱. بدون عرض از مبدأ یا روند
۲. عرض از مبدأ مقید، بدون روند
۳. عرض از مبدأ نامقید، بدون روند
۴. عرض از مبدأ نامقید، روند مقید
۵. عرض از مبدأ نامقید، روند نامقید

جدول شماره ۲. نتایج آزمونهای ریشه واحد: ۸۲-۱۳۳۸

متغیرها	ADF		Phillips-Perron	
	آماره	نتیجه	آماره	نتیجه
bd	-۲/۹۳۵۳	I(1)	-۲/۲۹	I(1)
bd/gdp	-۱/۷۹	I(1)	-۲/۶۵	I(1)
ge	۶/۱۱	I(0)	۱۴/۹۹	I(0)
ge/gdp	-۱/۹۶	I(1)	-۱/۵۹	I(1)
gr	۶/۹۹	I(0)	۱۵/۴۲	I(0)
gr/gdp	-۱/۸۹	I(1)	-۱/۹۵	I(1)
m	۴/۱۸	I(0)	۱۳/۴۷	I(0)
m_{γ}	۲/۴۷	I(1)	-۲/۰۰۴	I(1)
m/gdp	-۳/۲۳	I(1)	-۲/۹۵	I(0)
$(m/gdp)_{\gamma}$	-۲/۰۰۲	I(1)	-۱/۹۷	I(1)
nox	۸/۴۹	I(0)	+۲/۷۰	I(0)
nox_{γ}	-۱/۱۴	I(1)	-۱/۰۷	I(1)
$(nox/gdp)_{\gamma}$	-۱/۸۶	I(1)	-۲/۰۶	I(1)
nox/gdp	-۰/۳۷	I(1)	-۱/۳۸	I(1)
td	۱/۹۶	I(1)	-۲/۰۰۴	I(1)
td_{γ}	-۱/۹۸	I(1)	-۱/۹۳	I(1)
td/gdp	-۲/۹۴	I(1)	-۱/۳۵	I(1)
$(td/gdp)_{\gamma}$	-۱/۸	I(1)	-۱/۵۳	I(1)
X	۱۲/۲۲	I(0)	۹/۷	I(0)
x_{γ}	-۲/۲۹	I(1)	-۱/۹۲۱۷	I(1)
x/gdp	۲/۰۷	I(1)	-۲/۱۵	I(1)
$(x/gdp)_{\gamma}$	-۱/۳۱	I(1)	-۱/۰۰۴	I(1)

منبع: محاسبات تحقیق.

انتخاب هرکدام از این گزینه‌ها و مرتبه VAR به صورت دلخواه می‌تواند نتایج متفاوتی داشته باشد. نتایج ارائه شده در جدول شماره (۳) تأییدی بر این ادعاست که به صورت نظری در مطالعات متعددی نیز به اثبات رسیده است. بنابراین به جهت جلوگیری از

ایجاد چنین مشکلی از معیار اطلاعاتی شوارتز- بیزی (SBC) استفاده شده است. خلاصه نتایج به همراه نتایج آزمون پایداری کسری تجاری در جدول شماره (۴) آورده شده است. نتایج ارائه شده در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که بین مخارج دولت و درآمدهای آن و همچنین بین صادرات و واردات با معیارهای متفاوت، هیچ رابطه بلندمدت تعادلی وجود ندارد. بین معیارهای کسری بودجه (BD) و کسری تجاری (TD) یک رابطه هم‌جمعی وجود دارد. اما هنگامی که نسبت این متغیرها به تولید ناخالص داخلی استفاده می‌گردد، این رابطه تعادلی بلندمدت مشاهده نمی‌شود. همچنین نتایج آزمون پایداری کسری مالی و کسری تجاری براساس خطوط پیشنهادی ژا، نشان می‌دهد که این کسری‌های پایدار نیستند.

نتایج آزمون علیت گرنجر و الگوسازی اصلاح خطا (ECM)

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمونهای هم‌جمعی، جهت تشخیص وجود یا نبود رابطه کوتاه مدت و همچنین جهت این رابطه علی، از روش‌شناسی الگوی اصلاح خطا و آزمون علیت گرنجر استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمونها در جدول شماره (۵) آورده شده است.

نتایج ارائه شده در این جدول نشان می‌دهد که یک رابطه علیت یکطرفه از واردات (به قیمت ثابت ۷۶) به صادرات واقعی با کلیه معیارها وجود دارد. اما هیچ ارتباط علی بین واردات و صادرات غیرنفتی وجود ندارد. همچنین یک رابطه علیت یکطرفه از $\left(\frac{GR}{GDP}\right)$ به $\left(\frac{GE}{GDP}\right)$ و همچنین از $\left(\frac{BD}{GDP}\right)$ به $\left(\frac{TD}{GDP}\right)$ وجود دارد. اما هنگامی که از متغیرهای GR, GE, BD, TD, M, X و NOX استفاده می‌شود، یک رابطه علی دوطرفه مشاهده می‌گردد.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون هم جمعی یوهانسن: ۸۲-۱۳۳۸

تصريح الكوفا	مرتبه VAR	(۱)				(۲)				(۳)				(۴)				(۵)					
		λ_{max}		λ_{trace}		λ_{max}		λ_{trace}		λ_{max}		λ_{trace}		λ_{max}		λ_{trace}		λ_{max}		λ_{trace}			
		LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r	LR	r		
GE/GDP, GR/GDP	۲	۸/۹۶	-	۹/۰۵	-	۹/۱۰	-	۱۰/۸۴	-	۹/۱۰	-	۱۰/۸۴	-	۱۰/۹۶	-	۱۵/۶۰	-	۸/۵۴	-	۱۱/۰۹	-		
	۳	۱۸/۱۴۰	۱	۱۸/۳۰	۱	۱۸/۷۸	۱	۲۱/۱۵	۱	۱۸/۷۷	۱	۲۱/۱۴	۱	۲۳/۶۴	۱	۲۸/۴	۱	۱۹/۳۹	۱	۲۲/۷۵	۱		
	۴	۱۱/۴	۱	۱۱/۶۵	۱	۱۱/۴۲	۱	۱۴/۹۸	-	۱۱/۴۲	-	۱۴/۹۸	-	۱۵/۸۵	-	۲۱/۷۰	-	۱۲/۳۲	-	۱۸/۱۲	-		
m _{vs} و x _{vs}	۲	۷/۰۵	-	۷/۵۹	-	۱۰/۹۰	-	۱۷/۱۹	-	۱۰/۵۵	-	۱۶/۸۲	-	۱۲/۳۷	-	۱۸/۶۳	-	۱۲/۳۲	-	۱۸/۵۸	-		
	۳	۹/۶۳	-	۱۰/۶۳	-	۲۱/۹۶	۱	۲۹/۷۱	۱	۲۱/۶۴	۱	۲۹/۳۴	۱	۲۸/۶۰	۱	۳۱/۲۹	۱	۲۸/۵۸	۱	۳۶/۲۴	۱		
	۴	۹/۰۳	-	۹/۱۶	-	۱۰/۳۷	-	۱۹/۱۷	-	۹/۹۴	-	۱۸/۶۴	۱	۱۲/۵۸	-	۲۱/۲۹	-	۱۲/۳۰	-	۲۰/۸۱	-		
m _{vs} و nox _{vs}	۲	۳/۶۵	-	۳/۶۹	-	۶/۱۸	-	۸/۱۶	-	۵/۸۵	-	۷/۰۴	-	۶/۱۶	-	۱۱/۹۰	-	۶/۱۲	-	۱۱/۶۷	-		
	۳	۲/۶۱	-	۲/۶۳	-	۷/۷۲	-	۹/۰۸	-	۷/۲۶	-	۸/۰۳	-	۱۱/۴۴	-	۱۵/۸۲	-	۱۱/۳۶	-	۱۵/۳۰	-		
	۴	۱/۷۱	-	۱/۵۷	-	۷/۰۱	-	۷/۹۵	-	۶/۱۸	-	۶/۵۷	-	۱۲/۶۶	-	۱۶/۸۰	-	۱۲/۳۳	-	۱۵/۷۳	-		
(m/gdp) _{vs} , (x/gdp) _{vs}	۲	۶/۴۵	-	۷/۵۸	-	۸/۷۴	-	۱۲/۷۵	-	۸/۶۶	-	۱۲/۵۲	-	۱۱/۳۰	-	۱۷/۷۸	-	۱۱/۱۶	-	۱۷/۴۱	-		
	۳	۶/۲۵	-	۸/۱۳	-	۱۷/۸۷	۱	۲۲/۵۶	۱	۱۷/۶۹	۱	۲۲/۲۵	۱	۲۸/۵۲	۱	۳۴/۲۵	۱	۲۸/۵۲	۱	۳۶/۹۱	۱		
	۴	۸/۲۷	-	۹/۸۰	-	۱۳/۸۳	-	۱۷/۸۸	-	۱۷/۷۳	۱	۱۷/۲۷	۱	۲۰/۰۸	۱	۲۶/۶۳	۱	۱۹/۸۳	۱	۲۶/۰۷	۱		
(m/gdp) _{vs} , (nox/gdp) _{vs}	۲	۳/۲	-	۳/۳۶	-	۴/۵۰	-	۷/۶۹	-	۴/۴۴	-	۷/۶۱	-	۶/۳۵	-	۱۰/۴۵	-	۶/۳۰	-	۱۰/۱۴	-		
	۳	۱/۹۷	-	۲/۲۱	-	۷/۳۸	-	۹/۳۴	-	۷/۳۳	-	۹/۲۳	-	۸/۲۹	-	۱۲/۵۳	-	۸/۲۶	-	۱۱/۹۰	-		
	۴	۱/۷۳	-	۱/۸۳	-	۸/۹۹	-	۱۰/۵۸	-	۸/۸۶	-	۱۰/۳۶	-	۱۰/۰۲	-	۱۴/۴۲	-	۹/۹۹	-	۱۳/۶۵	-		
bd, td	۲	۲۱/۵۰	۱	۲۲/۷۸	۱	۲۲/۸۰	۱	۲۷/۲۵	۱	۲۲/۴۵	۱	۲۶/۵۵	۱	۲۲/۴۹	۱	۳۲/۲۴	۱	۲۱/۸۲	۱	۳۲/۳۶	۱		
	۳	۵/۶۹	-	۶/۷۹	-	۸/۸۰	-	۱۱/۰	-	۸/۶۲	-	۹	-	۱۴/۹۸	-	۱۸/۴۲	-	۱۴/۳۴	-	۱۴/۷۱	-		
	۴	۴۹/۴۹	۲	۵۴/۸۱	۲	۶۰/۹۳	۱	۶۶/۲۹	۱	۵۸/۰۸	۱	۶۱/۹۱	۱	۶۶/۱۴	۱	۷۰/۹۶	۱	۶۱/۴۷	۱	۶۱/۸۷	۱		
bd/gdp, td/gdp	۲	۱۰/۲۵	-	۱۱/۷۳	-	۱۰/۶۸	-	۱۴/۴۸	-	۱۰/۶۷	-	۱۴/۴۷	-	۱۰/۹۶	-	۱۷/۲۶	-	۱۰/۹۲	-	۱۶/۰۷	-		
	۳	۹/۶۴	-	۱۱/۰	-	۱۱/۵۰	-	۱۵/۱۲	-	۱۱/۴۹	-	۱۵/۱۱	-	۱۱/۵۵	-	۱۸/۱۷	-	۱۱/۴۷	-	۱۶/۴۹	-		
	۴	۱۰/۵۹	-	۱۱/۵۱	-	۱۰/۶۰	-	۱۳/۸۷	-	۱۰/۶۰	-	۱۳/۸۷	-	۱۲/۴۷	-	۱۸/۳۴	-	۱۱/۰۴	-	۱۶/۱۵	-		

جدول شماره ۴. خلاصه نتایج آزمون هم جمعی و

پایداری کسری تجاری و مالی (۸۲-۱۳۳۸)

معیار	آزمون همجمعی		نتیجه آزمون پایداری کسری
	مرتبه بهینه VAR	نتیجه رابطه	
$(GE/GDP), (GR/GDP)$	۲	وجود ندارد	پایدار نیست
M76/X76	۴	وجود ندارد	پایدار نیست
M76,NOX76	۴	وجود ندارد	پایدار نیست
$(M/GDP)76, (X/GDP)76$	۲	وجود ندارد	پایدار نیست
$(M/GDP)76, (NOX/GDP)76$	۲	وجود ندارد	پایدار نیست
BD,TD	۴	وجود دارد	-
$(BD/GDP), (TD/GDP)$	۲	وجود ندارد	-

منبع: محاسبات تحقیق.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون علیت گرنجر: (۸۲-۱۳۳۸)

متغیرها		فرضیه H_0 :		نتیجه
		$1 \xrightarrow{notGC} 2$	$2 \xrightarrow{not..GC} 1$	
		F(prob)	F (prob)	
۱	۲			
GE/GDP	GR/GDP	۰/۷۴۴(۰/۵۳۷)	۳/۱۲۹(۰/۰۰۳۸)	$\frac{GR}{GDP} \rightarrow \frac{GE}{GDP}$
M76	X76	۶/۷۵۱(۰/۰۰۱)	۱/۳۱(۰/۲۸۸)	M76 → X76
M76	NOX76	۱/۱۸(۰/۳۳)	۰/۶۲۰(۰/۰۶۱)	M76 ↔ NOX76
M76/gdp76	X76/gdp76	۴/۵۶(۰/۰۰۸)	۰/۲۶۲(۰/۰۸۵)	$\frac{M76}{GDP76} \rightarrow \frac{X76}{GDP76}$
M76/gdp76	nox76/gdp76	۰/۳۶۹(۰/۷۷۶)	۰/۸۷۵(۰/۰۶۵)	$\frac{M76}{GDP76} \xrightarrow{No} \frac{NOX76}{GDP76}$
bd	Td	۱۹/۰۳(۰/۰۰۰۰۰۲)	۵/۴۴(۰/۰۰۰۴)	bd ↔ td
BD/GDP	TD/GDP	۴/۳۵۷(۰/۰۰۱۲)	۰/۵۵۱(۰/۰۶۵)	$\frac{bd}{gdp} \rightarrow \frac{td}{gdp}$
gr	Ge	۵/۴۰۶(۰/۰۰۰۴)	۴/۹۷(۰/۰۰۰۶)	gr ↔ ge
M	X	۱۱/۷۵(۰/۰۰۰۰۰۲)	۹/۶۰(۰/۰۰۰۰۹)	M ↔ X
X/GDP	M/GDP	۳/۴۹(۰/۰۰۰۳)	۱/۴۸(۰/۲۳۷)	$\frac{X}{GDP} \rightarrow \frac{M}{GDP}$
NOX/GDP	M/GDP	۰/۱۰۷(۰/۹۵۵)	۰/۶۷۹(۰/۰۵۷)	$\frac{NOX}{GDP} \xrightarrow{No} \frac{M}{GDP}$

منبع: محاسبات تحقیق.

یادداشت: → اشاره به جهت رابطه علی به صورت «از.....به.....» دارد.

↔ اشاره به رابطه علی دوطرفه دارد

↔^{No} اشاره به نبود رابطه علی بین دو متغیر دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در آستانه اجرای برنامه پنج ساله چهارم و استقرار دولت نهم این پرسش مطرح می‌شود که دولت، سیاستهای مالی و تجاری خود را برای مقابله با کسریهای داخلی و خارجی چگونه تنظیم خواهد کرد؟ هدف اصلی این نوشتار کمک به یافتن جواب این پرسش با توسل

به نظریه‌های اقتصادی و واقعیت اقتصادی جامعه ایران طی دوره ۸۲-۱۳۳۸ است. برای این منظور روابط کوتاه مدت و بلندمدت و روابط علیّی بین: ۱. صادرات و واردات، ۲. مخارج دولت و درآمدهای آن؛ ۳. کسری بودجه و کسری تجاری بررسی شده است. این بررسیها براساس آزمونهای ریشه واحد، هم جمعی، الگوسازی اصلاح خطا (ECM) و آزمون علیّیت گرنجر و معیارهای متفاوتی از متغیرهای ذکر شده صورت گرفته و نتایج زیر نیز بدست آمده است.

۱. بین مخارج دولت و درآمدهای آن با معیارهای متفاوت، هیچ رابطه تعادلی بلندمدتی وجود ندارد. اما در کوتاهمدت حداقل یک رابطه علیّی یکطرفه از درآمدها به مخارج دولت وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که کسری مالی در بلندمدت پایدار نیست. همچنین در کوتاهمدت فرضیه درآمد-مخارج در اقتصاد ایران تأیید شده است. به عبارت دیگر دولت هزینه‌های خود را براساس درآمد کسب شده تنظیم می‌کند.

براساس این نتایج پیشنهاد می‌شود که دولت برای کنترل اندازه بخش عمومی یا اندازه کسری بودجه خود، مالیاتها را کاهش دهد؛ زیرا اقتصاددانان طرفدار این فرضیه، همانند فریدمن (۱۹۸۲) اعتقاد دارند که افزایش در مالیاتها تنها منجر به افزایش در هزینه‌های دولت و گسترش اندازه کسری و اندازه بخش عمومی خواهند شد. در کاهش مالیاتها بهتر است که بحث عدالت محوری و عدالت گستری نیز مورد توجه قرار گیرد و در صورت لزوم، حتی در برخی گروههای درآمدی مالیات ثابت بماند.

۲. بین صادرات و واردات هیچ رابطه تعادلی بلندمدتی مشاهده نمی‌شود و همچنین کسری خارجی پایدار نیست. این نتیجه در مطالعه خوارزمی و صمدی (۱۳۸۳) نیز به دست آمده است. پایدار نبودن این کسری بدین معنا است که برای برقراری تعادل در تراز پرداختها به جریان دائمی ورود سرمایه نیاز داریم. اما باید توجه داشت که دولتها نمیتوانند بطور نامحدود از بازارهای جهانی سرمایه استقراض نمایند. بنابراین باید چاره‌اندیشی شود. پیشنهاد خاص این مطالعه آن است که برای کاهش مشکلات تأمین مالی کسری خارجی و بهبود وضعیت تراز پرداختها، باید در سیاستهای تجاری تجدیدنظر کرده و تغییراتی نیز اعمال شود.

در مطالعه صمدی (۱۳۷۷) برای مقابله با عدم تعادل‌های خارجی کشور پیشنهاد شده است که نرخ بسط اعتبار داخلی کنترل شود.

نتایج آزمون علیت گرنجر با معیارهای متفاوت، نتایج متفاوتی بدست داده است. اما به روشنی می‌توان نتیجه گرفت که هیچ رابطه علی بین واردات و صادرات غیرنفتی وجود ندارد. این امر به دلیل ماهیت اقتصاد ایران و وابستگی واردات کشور به درآمدهای نفتی می‌باشد.

۳. بین نسبت کسری بودجه و کسری تجاری به GDP رابطه تعادلی بلندمدت وجود ندارد. این نتیجه برخلاف نتیجه حاصل از تحقیق محمدی (۱۳۷۳) و موافق با مطالعه صمدی (۲۰۰۵) است. البته وی هشدار لازم در این مورد را داده بود. طولانی‌تر بودن دوره مورد مطالعه در مقاله حاضر می‌تواند نتایج قابل قبول‌تری را نسبت به آن بدست دهد.

اما هنگامی که از معیار کسری بودجه و کسری تجاری استفاده می‌شود، رابطه تعادلی بلندمدتی مشاهده می‌گردد. با این وجود به نظر می‌رسد که معیار قبلی، نتایج قابل قبول‌تری نیز داشته باشد.

بنابراین نتیجه بدست آمده، از فرضیه برابری ریکاردویی در بلندمدت تبعیت می‌کند. یعنی در بلندمدت هیچ ارتباطی بین کسری بودجه و کسری تجاری وجود ندارد؛ اما نتایج آزمون علیت گرنجر نشان داده است که رابطه علی یکطرفه از کسری بودجه به کسری تجاری وجود دارد. این نتیجه موافق با مطالعه بدست آمده در مطالعه مؤمنی و صالحیان (۱۳۷۸) و قطمیری و صمدی (۱۳۷۵) می‌باشد. این نتایج از اصل متعارف کینزی در کوتاه مدت حمایت می‌کنند. بنابراین پیشنهاد این قسمت نیز آن است که برای کاهش کسری تجاری باید کسری بودجه کاهش یافته و پس‌اندازهای داخلی تقویت و افزایش یابد.

از مطالب ارائه شده در بالا می‌توان نتیجه گرفت که دولت برای فائق آمدن بر کسری مالی و تجاری در کوتاه‌مدت باید اقدام به کاهش کسری بودجه نماید. برای این کار نیز کاهش مالیاتها با محوریت عدالت گستری و افزایش پس‌اندازهای داخلی پیشنهاد شده است. این اقدامات نیز سبب کاهش کسری تجاری خواهد شد.

پی‌نوشتها:

۱. بهرامی، جاوید. «بررسی مقایسه‌ای عملکرد راههای مختلف تأمین مالی کسری بودجه دولت در شرایط کاهش درآمدهای ناشی از صادرات نفت». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال سوم، شماره ۹، (۱۳۷۷).
۲. تقی‌پور، انوشیروان. «بررسی ارتباط بین کسری بودجه دولت، رشد پول و تورم در ایران: به روش معادلات همزمان». *مجله برنامه و بودجه*، سال ششم، شماره ۶۵ و ۶۶، (۱۳۸۰).
۳. جعفری صمیمی، احمد. «بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی». *مجله اقتصاد و مدیریت*، سال اول، شماره ۱۳، (۱۳۷۱).
۴. جهانگرد، اسفندیار. «واکنش بودجه دولت نسبت به تکانه‌های تولید، مخارج و درآمدهای دولت براساس الگوی VEC». *مجله برنامه و بودجه*، سال هفتم، شماره ۷۴، (۱۳۸۱).
۵. خوارزمی، ابوالقاسم و صمدی، علی حسین. «بررسی رابطه بلند مدت بین صادرات و واردات و آزمون پایداری کسری حساب جاری در کشورهای عضو اوپک (۱۹۶۰-۱۹۹۸)». *مجله برنامه و بودجه*، سال نهم، شماره ۴، (مهر و آبان ۱۳۸۳).
۶. صمدی، علی حسین. «بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و تراز تجاری در اقتصاد ایران». (۷۰-۱۳۳۸). *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز، (۱۳۷۴).
۷. صمدی، علی حسین. «تراز پرداختها یک پدیده پولی: اقتصاد ایران (۷۴-۱۳۳۸)». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال سوم، شماره ۹، (زمستان ۱۳۷۷).
۸. عرب مازار، علی اکبر. «بررسی عدم تعادل بودجه دولت». *مجله اقتصاد*، سال اول، شماره ۱، (۱۳۷۲).
۹. علایی، حسن. «بودجه، کسری بودجه و تورم در ایران در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۵۰». *ماهنامه بررسیهای بازرگانی*، شماره ۶۲، (۱۳۷۱).
۱۰. فرزین وش، اسد الله، اصغرپور، حسین، و محمودزاده، محمود. «بررسی اثر تورم بر کسری بودجه از بعد هزینه‌ای و درآمدی در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۳، (۱۳۸۲).
۱۱. قلمبری، محمد علی و صمدی، علی حسین. *روشهای تأمین مالی کسری بودجه و اقتصاد ایران. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵.
۱۲. محرابیان، آزاده و فرح بخش، ندا. «عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۱، سال سوم، شماره اول، (بهار، ۱۳۸۲).
۱۳. محمدی، حسن. «سیاستهای مالی و تراز تجاری: بررسی تجربی از اقتصاد ایران». پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۳).
۱۴. موسوی آزاد کسمایی، افسانه. «بررسی رابطه بین کسری بودجه و رشد اقتصادی در ایران (۷۵-۱۳۴۲)». *مجله روند*، شماره ۲۶ و ۲۷، (۱۳۷۸).
۱۵. مؤمنی وصالیان، هوشنگ. «تحلیل رابطه کسری بودجه دولت و حساب جاری در ایران». *مجله برنامه و بودجه*، سال چهارم، شماره ۴۲، (۱۳۷۸).
۱۶. نوری نائینی، سید محمد سعید و احمدی، منصور. «عدم تعادل بودجه در اقتصاد ایران و تاثیر کاهش درآمد نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی». *مجله اقتصاد*، سال اول، شماره ۱، (۱۳۷۵).

۱۷. هژبرکیانی، کامبیز و حلافی، حمیدرضا . « بررسی رابطه بین کسری بودجه و تقاضای پول در اقتصاد ایران : کاربرد روشهای جوهانسن - جوسیلیوس و خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی ». *مجله برنامه و بودجه*، سال ششم، شماره ۶۰-۶۱، (۱۳۸۰).

18. Aghevli , B. , and S. Sassanpour. "Prices, Output and the Trade Balance in Iran", *World Development* ,Vol.10 , No.2, (1982): 791-800.

19. Alkswani, M.A. "The Twin Deficits Phenomenon in Petroleum Economy: Evidence from Saudi Arabia", King Saudi University, (2004).
<http://www.ksu.edu.sa>

20. Amirahmadi, H., *Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience*. State University Press, New York., 1990.

21. Bahmani- Oskooee, M. "Are Import and Export of Australia Cointegrated?", *Journal of Economic Integration*, Vol. 9, (1994): 525-533.

22. Gonzalo, J. "Five Alternative Methods of Estimating Long Run Equilibrium Relationships", *Journal of Econometrics*, Vol. 60, (1994): 203-233.

23. Hansen, B. E. "Efficient Estimation and Testing of Cointegration Vectors in the Presence of Deterministic Trends", *Journal of Econometrics*, Vol.53, (1992): 87-121.

24. Husted, S. "The Emerging U. S. Current Account Deficit in 1980: Cointegration Analysis", *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 74, (1992):159-166.

25. Islam, M. Q. "Structural Break, Unit Root, and the Causality Between Government Expenditures and Revenues", *Applied Economics Letters*, Vol. 8, (2001):565- 567.

26. Jha, Raghendra, "Macroeconomics of Fiscal Policy in Developing Countries", *United Nations University, World Institute for Development Economic Research (WIDER), Discussion Paper*, No. 2001/71 (2001).
<http://www.wider.unu.edu/publications/>

27. Kaufmann, S., J. Scharler. and G. Winckler. "The Austrian Current Account Deficit: Driven by Twin Deficits or by Intertemporal Expenditure Allocation?", *Empirical Economics*, Vol.27, (2002): 529-542.

28. Kollias , C., and S. Makrydakis. "Tax and Spend or Spend and Tax ? Empirical Evidence from Greece, Spain, Portugal, and Ireland", *Applied Economics*, Vol.32, (2000):533-546.

29. Leachman, L.L., and B. Francis, "Twin Deficit: Apparition or Reality?", *Applied Economics*, Vol.34, (2002):1121-1132.

30. Li, X., "Government Revenue, Government Expenditure, and Temporal Causality : Evidence from China", *Applied Economics*, Vol.33, (2001):485-497.
31. Mithani, D.M., and G.S. Khoon. "Causality Between Government Expenditure and Revenue in Malaysia: A Seasonal Cointegration Test"., *ASEAN Economic Bulletin*, Vol.16 , No.1, (1999):68-79.
32. Piersanti, G. "Current Account Dynamics and Expected Future Budget Deficits: Some International Evidence"., *Journal of International Money and Finance*, Vol.19, (2000):255-271.
33. Richardson, J. D. "International Economics – Beyond the Twin Deficits: A Trade Strategy for the 1990s by Robert A. Blecker"., *Journal of Economic Literature*, Vol.32, No.2 (1994).
34. Rosensweig, J. A., and E. W. Tallman. "Fiscal Policy and Trade Adjustment: Are the Deficits Really Twins?"., *Economic Inquiry*, Vol.31, No.4, (1993): 580-594.
35. Samadi, A. H. , and Sameti, M. "Budget Deficit Financing and its Effects on Macroeconomic Variables in Iran (1959-2002)",9th Conferences on Euro-Mediterrannes , (28-30 September, 2005), Nice, France.
36. Samadi , A. H. "The Twin Deficits Phenomenon in MENA Countries", 9th Conferences on Euro-Mediterrannes , (28-30 September , 2005), Nice France.
37. Seater, J. J. "Ricardian Equivalence"., *Journal of Economic Literature*, Vol.31, (1993) :142-190.
38. Sinha, D. "The Long Run Relationship Between Export and Import of Pakistan"., *The Indian Economic Journal*, Vol.46, No.3, (1999):104-109.
39. Vamvoukas, G. A. "The Twin Deficits Phenomenon: Evidence from Greece"., *Applied Economics*, Vol.31, (1999):1093-1100.
40. Wu, J.-L., Fountos, S., and Chen, S.-L. "Testing for Sustainability of the Current Account Deficit in Two Industrial Countries"., *Economic Letters*, Vol. 52, (1996): 193-198.